

## مولفه‌های مشارکت والدین در برنامه‌های درسی دوره ابتدایی با تاکید بر عنصر ارزشیابی

قهرمان مددلو<sup>۱</sup>، زهره سعادت‌مند<sup>۲\*</sup>، محمد حسین یارمحمدیان<sup>۳</sup>

۱- دانشجوی دکتری تخصصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان) گروه علوم تربیتی، اصفهان، ایران.

۲- دانشیار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان) گروه علوم تربیتی، اصفهان، ایران.

۳- استاد، مرکز تحقیقات مدیریت و اقتصاد سلامت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران.

### چکیده

هدف این پژوهش تعیین مولفه‌های برنامه درسی مبتنی بر مشارکت والدین در دوره ابتدایی با توجه به عنصر ارزشیابی می‌باشد. جامعه آماری تحقیق صاحب‌نظران برنامه درسی می‌باشند که در کار تالیف برنامه‌های درسی فعالیت می‌نمایند روش پژوهش با توجه به موضوع و ماهیت آن روش دلفی می‌باشد. روش نمونه‌گیری در بخش کیفی از نوع گلوله برفی و حجم آن براساس قانون اشباع در تحقیقات کیفی بوده که در نفر چهاردهم به اشباع رسید. روش جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته بوده که در بخش کیفی از پرسشنامه بدون ساختار و در بخش کمی از پرسشنامه ساختارمند استفاده گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش کیفی از روش رتبه‌بندی و چارک سوم به عنوان ملاک توافق و در بخش کمی از ضریب هم‌هنگی کندال برای تعیین توافق بین نظرات خبرگان استفاده گردید. با توجه به یافته‌های تحقیق مولفه‌های مشارکت والدین در برنامه‌های درسی دوره ابتدایی با توجه به عناصر ارزشیابی عبارت از: مشارکت در ارزشیابی برای جمع‌آوری اطلاعات، مشارکت در ارزشیابی اهداف

نگرشی، مساعدت در جمع‌آوری و نگهداری پوشه کار فراگیران، مشارکت از طریق حضور منظم و مستمر والدین در مدرسه، مشارکت در ارزشیابی فعالیت‌های خارج از مدرسه، احترام و پابندی به نتایج ارزشیابی‌های مدرسه، فراهم کردن زمینه‌های تشویق معلمان و فراگیران، مشارکت در فراهم سازی فضای عاطفی مناسب در جلسات ارزشیابی، کمک به معلمان در شناسایی نقاط قوت و ضعف فراگیران. نتیجه اینکه توجه و بکارگیری این مولفه‌ها زمینه مشارکت والدین را در برنامه‌های درسی دوره ابتدایی با توجه به عنصر ارزشیابی فراهم نموده و به تولید برنامه‌های پویا و سازنده کمک نماید.

**واژه‌های کلیدی:** مشارکت، برنامه درسی، والدین، ارزشیابی، دوره ابتدایی، خانواده

### مقدمه و بیان مساله

خانواده به عنوان نهاد اجتماعی که والدین و کودک عضوی از آن هستند در تحول ساختار شخصیتی، اجتماعی، اخلاقی و عاطفی کودک نقش بسزایی دارند و به عنوان نخستین مربیان کودک در آموزش و پرورش سهیم می‌باشند. چون والدین، کودک را ساخته و آماده ورود به مراحل بعدی آموزش می‌نمایند آموزشی که متولی آن آموزش و پرورش است و والدین زیربنای آن را طراحی و ساخته‌اند. والدینی که از ویژگی‌ها فردی و اجتماعی کودکان آگاه بوده و نیازها و علایق و حتی از نفرت‌ها و خشم او و... اطلاع کافی دارند. مسأله‌ی تربیت، مسأله‌ی حیات و ممات ملت‌هاست، بنای آن از خانواده آغاز، و در جامعه و مدرسه تکمیل می‌گردد. طفل این موجود فرشته‌گونه موضوع تربیت و امانتی از خدا در دست والدین و مردم است، که خداوند او را آزمایش و فتنه‌ای برای والدین قرار داده تا بر آن‌ها معلوم گردد به چه حد میزان لایق امانتداری خداوندند و چگونه از تعالیم او برای اداره و صیانت این امانت استفاده می‌کنند. (قائمی، ۱۳۹۰: ۱۹).

در عصر کنونی، برای تربیت نسلی نوین که بتواند اهداف توسعه کشور را برآورد کند نیاز به استفاده از ظرفیت‌ها و امکانات موجود احساس می‌شود. موضوع مشارکت و چگونگی آن در آموزش و پرورش در تاریخ ملت‌ها ریشه‌ای دیرینه دارد و در حال حاضر اهمیت آن دو

چندان شده است به گونه‌ای که جامعه‌شناسان این مشارکت را محور اساسی توسعه و عاملی مهم در گسترش کمی و کیفی این مقوله دانسته‌اند. (عظیمی هاشمی، ۱۳۹۰)

تحقق نظام آموزشی که ایفای نقش مردم در آن شأن و منزلت برجسته‌ای پیدا کند، یکی از آرزوهای برنیامده‌ای است که جامعه‌ی ما با آن روبروست. اگر چه مشارکت و حضور مردم ما در صحنه‌ی آموزش و پرورش آغاز شده، ولی برای پیمودن راه کمال آن، گام‌های زیادی باید برداشته شود. اندیشه‌ی نزدیکی اولیای خانه (والدین) با اولیای مدرسه، از دهه‌های نخستین شکل‌گیری تعلیم و تربیت جدید در کشور ما ظهور کرد. اما هنوز عوامل مختلف مانع از تحقق این نیاز مهم است. (تیموری، ۱۳۸۷)

در گذشته مدارس به مثابه موسساتی به حساب می‌آمدند که نقش والدین فرستادن کودکان به مدرسه و حمایت از مدرسه برای نظم دادن به فرزندانشان بود. اما امروزه نوع مشارکت‌ها تغییر کرده و یا در حال تغییر می‌باشد. والدین در امور گوناگون مدارس مشارکت می‌کنند. از آنجایی که والدین نزدیکترین گروه به دانش آموزان هستند و از تجارب مثبت و منفی، علایق و نگرش‌های فرزندان خود آگاهی دارند، اصلی‌ترین و شایسته‌ترین گروهی هستند که باید در امور مدرسه مشارکت داشته باشند. (بلاغت و همکاران، ۱۳۸۹). بر این اساس مشارکت والدین در مدارس و برنامه‌های درسی آن امری مهم و ضروری است، امری که این پژوهش به دنبال آن می‌باشد. حیات اجتماعی و سیاسی جامعه بشری به تعاون و مشارکت اعضای آن بستگی دارد. این امر از طریق همیاری‌های مردمی استوار می‌گردد و آموزش و پرورش به عنوان مهمترین نظامی اجتماعی نیازمند مشارکت و همکاری همه اجزای آن است. این نظام بدون مشارکت مؤثر مردم و کارکنان در ابعاد علمی، فرهنگی، اقتصادی و عاطفی نمی‌تواند فرآیند تعلیم و تربیت را به خوبی عملی سازد. (بلاغت و همکاران، ۱۳۸۹). مشارکت از دیرباز یکی از ابزارهای مهم زندگی انسان بوده و در اسلام نیز جایگاه بالایی دارد. در فرهنگ غنی اسلام در قالب آیات و روایات به کارگیری این شیوه و تصمیم‌گیری‌ها و حل مسائل بطور جدی مورد توجه قرار گرفته است. (تنهایی، ۱۳۷۷: ۲۷). با توجه به بحث پیرامون تغییر نظام آموزش و پرورش متمرکز به سوی نیمه متمرکز یا غیر متمرکز، موضوع مشارکت جای خود را در مباحث علمی و اجتماعی کشور باز کرده است. و با توجه به رقابت جهانی و سیر پرشتاب

فناوری، اینک اندیشمندان افزایش مشارکت را به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به هدف برنامه‌ریزی مطلوب مورد توجه قرار داده‌اند. (الوانی، ۱۳۹۱) بدیهی است که هر قدر فعالیت و امور مختلف از حساسیت و تأثیر بیشتری بر زندگی برخوردار باشد، سعی می‌کنیم ارزشیابی‌ها را دقیق‌تر و بر پایه اصول و معیارهای منطقی و تعریف شده‌ای انجام دهیم. به این دلیل جنبه‌های مختلف تعلیم و تربیت، خصوصاً برنامه‌های درسی که رکن محوری و اساسی را در آموزش مدرسه‌ای دارا هستند، نیازمند مؤلفه‌ی مهم ارزشیابی می‌باشند. تنها از طریق ارزشیابی از مراحل مختلف برنامه‌ریزی درسی می‌توان کارآیی و اثربخشی برنامه درسی را افزایش داد و نظامی برای بهبود مستمر برنامه‌های درسی مدارس طراحی نمود. (فتحی و اجارگاه، ۱۳۹۲: ۲۷۵).

سازمان‌های آموزشی جهت تحقق اهداف به ارزشیابی برنامه‌های خود نیاز مبرمی دارند تا معلوم شود که اقدامات و عملیات انجام شده تا چه حد با ملاک‌ها و موازین پیش‌بینی شده تطابق دارند. امروزه ارزشیابی در سازمان‌های آموزشی بازوانی قوی برای مدیران و معلمان است که به کمک آن‌ها می‌توان در مورد قطع، ادامه، اصلاح یا تعدیل و توسعه برنامه‌های آموزشی و درسی تصمیم‌گیری نمود (سیف، ۱۳۹۲). مساله مورد نظر در این مقاله آن است که جایگاه، اهمیت و چگونگی مشارکت والدین در ارزشیابی برنامه‌های درسی تعیین و مشخص شود. تا در اداره مدارس و ارزشیابی برنامه‌های درسی ملاک عمل قرار گیرد.

ارزشیابی یکی از مؤلفه‌های مهم و حساس فرآیند برنامه‌ریزی درسی است. حساسیت و اهمیت ارزشیابی در برنامه‌ریزی درسی از آن روست که هیچ فعالیت انسانی، خصوصاً آن دسته از اموری که دارای پیچیدگی و ظرافت خاصی هستند، نمی‌توانند فارغ از بررسی کیفی و بهبود مستقر باشند. از لحاظ ماهیت انسان اساساً موجودی است ارزیاب. به اعتبار ما انسان‌ها در بسیاری از امور و قبل و ضمن و یا پس از انجام کاری دست به ارزیابی می‌زنیم و در اغلب موارد بسیاری از تصمیمات را براساس این ارزشیابی اتخاذ می‌کنیم و اقدامات معینی را دنبال یا قطع می‌نمائیم.

بدیهی است که هر قدر فعالیت و امور مختلف از حساسیت و تأثیر بیشتری بر زندگی برخوردار باشد، سعی می‌کنیم ارزشیابی‌ها را دقیق‌تر و بر پایه اصول و معیارهای منطقی و تعریف شده‌ای انجام دهیم. به این دلیل جنبه‌های مختلف تعلیم و تربیت، خصوصاً برنامه‌های

درسی که رکن محوری و اساسی را در آموزش مدرسه ای دارا هستند، نیازمند مؤلفه‌ی مهم ارزشیابی می‌باشند. تنها از طریق ارزشیابی از مراحل مختلف برنامه‌ریزی درسی می‌توان کارآیی و اثربخشی برنامه درسی را افزایش داد و نظامی برای بهبود مستمر برنامه‌های درسی مدارس طراحی نمود. (فتحی و اجارگاه، ۱۳۹۳: ۲۷۵). معلمان بر پیشرفت‌هایی که دانش‌آموزان در روند اجرای برنامه‌های درسی بدان‌ها می‌رسند توجه چشمگیری دارند و آن معیار و ملاکی برای کیفیت و کمیت برنامه‌های درسی است که از زوایای مختلف می‌انگارند. والدین نیز به طور جدی علاقه‌مندند، تقریباً اولین سؤالی که یک پدر و مادر از معلم می‌پرسد این است پیشرفت فرزندم در مدرسه چگونه است. (نیکلس، ۱۹۸۹).

### اصول حاکم بر ارزشیابی برنامه‌های درسی

برنامه درسی ملی سندی که نقشه کلان برنامه درسی و چارچوب نظام برنامه‌ریزی درسی کشور را به منظور تحقق اهداف آموزش و پرورش تعیین و تبیین می‌نماید اصول حاکم بر ارزشیابی تربیتی و پیشرفت تحصیلی را به شرح ذیل بیان می‌دارد. برای نظام‌بخشی به تصمیمات در خصوص ارزشیابی پیشرفت تحصیلی و تربیتی در کلیه دوره‌های تحصیلی اصول زیر باید مدنظر برنامه‌ریزان درسی قرار گیرد.

- ۱- با استفاده از انواع دوستی‌ها و ابزارها بتواند توانایی دانش‌آموزان را در بهره‌گیری از شایستگی‌های پایه در موقعیت‌های مختلف، به صورت معنی‌دار منعکس نمایند.
- ۲- با ارائه شواهد متنوع و کافی، امکان قضاوت در خصوص سطح دستیابی دانش‌آموزان به اهداف برنامه درسی را تعیین نماید.
- ۳- به صورت منعطف و مستمر با توجه به وجوه متفاوت یادگیری هر یک از دانش‌آموزان فرآیند دستیابی به اهداف و چگونگی اقدام مؤثر را منعکس نماید.
- ۴- با تأکید بر خودآگاهی و خودارزیابی و تصمیم‌گیری از سوی دانش‌آموزان به چگونگی جبران، رفع کاستی و دستیابی به سطوح بالاتر شایستگی در هر یک از حوزه‌های یادگیری را تدارک ببیند.

- ۵- برای حفظ شأن و کرامت انسانی دانش‌آموزان و تقویت خودپنداری مثبت آنان از به‌کارگیری روش‌ها و ابزارهای ارزیابی اضطراب‌آور و مایوس‌کننده، پرهیز شود.
- ۶- برای تبیین و منعکس نمودن ظرفیت‌های وجودی و وجوه توانایی‌های متفاوت هر یک از دانش‌آموزان، امکان مشارکت سایر دانش‌آموزان، مربیان و اولیاء در امر سنجش را فراهم کند.
- ۷- در فرآیند ارزشیابی، نقش محوری و تصمیم‌سازی مدرسه و معلم در چارچوب سیاست‌های کلی آموزش و پرورش حفظ شود.
- ۸- طراحی و اجرای نظام ارزشیابی نتیجه‌محور بر اساس استانداردهای ملی برای گذر از دوره‌های تحصیلی، رویکرد ارزشیابی فرآیند محور در ارتقاء پایه‌های تحصیلی دوره ابتدائی و رویکرد تلفیقی (فرآیند محور و نتیجه محور) در سایر پایه‌های تحصیلی مبنا قرار گیرد.
- ۹- با تأکید بر کار گروهی و فعالیت جمعی و روش حل مسئله، وجه رقابت‌زایی یا رقابت‌جویی را به حداقل برساند و زمینه شکوفایی دانش‌آموزان را فراهم سازد.
- ۱۰- ارزشیابی به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر از فرآیند یاددهی - یادگیری تلقی شده و از نتایج آن برای برنامه‌ریزی رشد حرفه‌ای معلمان و بهبود برنامه درسی و نظام آموزشی استفاده شود.
- ۱۱- با تأکید بر بهره‌گیری از تکالیف عملکردی در سنجش میزان دستیابی دانش‌آموزان به شایستگی‌ها و تلاش برای تحقق جامعه‌عدل‌مهدوی (عج) و دستیابی به مراتبی از حیات طیبه، گزارش عملکرد تحصیلی و تربیتی آنان با همکاری دانش‌آموز، اولیا مدرسه و والدین تنظیم و ارائه شود. (سند برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱، ص ۴۲)
- با توجه به موارد فوق و با توجه به بند ۶ و ۱۱ می‌توان گفت که جایگاه و نقش مشارکتی والدین در ارزشیابی برنامه‌های درسی و پیشرفت تحصیلی و ... در سند برنامه درسی ملی پیش‌بینی و آمده است و مسئولان تدوین و طراحی و همچنین والدین با پیروی از اصول یاد شده نقش مهمی از طریق شرکت در ارزشیابی‌ها خواهند داشت.
- گوهری (۱۳۹۳) تحقیقی با عنوان "بررسی مشارکت والدین در امور مدارس مقطع ابتدایی شهر سمنان و ارائه راهکارهایی برای مشارکت نوآورانه والدین" در دوره کارشناسی ارشد

دانشگاه سمنان انجام داده است. پژوهش مذکور با هدف شناسایی موانع و شیوه‌های اثربخش و نوآورانه مشارکت والدین در امور مدارس شهر سمنان انجام شده است. در پی نتایج این پژوهش در بخش کیفی ۴۵ شیوه مشارکت والدین و ۷۲ مانع مشارکت والدین در امور مدارس شناسایی شد و یافته‌های پژوهش در بخش کمی نشان داد که در حال حاضر، در مدارس ابتدایی شهر سمنان روش‌هایی چون: فراهم آوردن محیط مناسب برای مطالعه، استراحت دانش‌آموزان در منزل، ایجاد فضای عاطفی مناسب در خانه و بهره‌گیری از شیوه صحیح تربیتی جهت مشارکت والدین بیشتر از سایر روش‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند و از نظر مدیران، معلمان و والدین دانش‌آموزان ابتدایی شهر سمنان، شیوه‌هایی چون: ایجاد فضای عاطفی مناسب در خانه، بهره‌گیری از شیوه صحیح تربیتی، تقویت عزت نفس و اعتماد به نفس فرزندان می‌توانند موثرترین شیوه‌های مشارکت باشند. همچنین براساس یافته‌های بخش کمی پژوهش و با توجه به ارزیابی نظرات مدیران، معلمان و والدین دانش‌آموزان در مدارس سمنان، موانعی همچون عدم شناخت اولیاء از اهداف و کارکردهای مدرسه و تغییرات سریع برنامه‌های درسی و آموزشی و عدم شناخت والدین و ناتوانی آن‌ها در تطبیق با برنامه‌ها از مهمترین موانع مشارکت والدین شناسایی شدند.

مردان اربط (۱۳۹۲) در تحقیقی تحت عنوان "مطالعه تجربیات والدین از مشارکت در اجرای برنامه درسی دوره ابتدایی در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ (یک مطالعه پدیدارشناسی) به نتایج زیر رسیده که: ده مضمون اصلی از یافته‌ها شامل دلایل اهمیت تحصیل، شرایط و امکانات، روش‌های آموزشی والدین، مشکل آفرینی در زندگی، دلایل مشکلات از دیدگاه والدین، تاثیر مثبت همکاری روی والدین، تاثیر مثبت همکاری روی فرزندان، معایب همکاری والدین، راهکارهای والدین برای جلوگیری از مشکلات، پیشنهادات والدین برای افزایش کارایی و اثربخشی مدرسه به دست آمد. این ده مضمون اصلی به دست آمده از یافته‌های تحقیق می‌تواند تجربیات والدین را از مشارکت در اجرای برنامه درسی روشن سازد. یافته‌ها نشان داد که والدین با مشارکت در اجرای برنامه درسی با مسائل متعددی روبرو هستند.

حسینی نیاز (۱۳۹۱) تحقیقی تحت عنوان "عوامل موثر در مشارکت فعال والدین در امور آموزشی و پرورشی دانش‌آموزان متوسطه شهر تهران از دید مدیران" انجام داده‌اند. این تحقیق

با هدف شناسایی عوامل موثر بر مشارکت فعال اولیای دانش آموزان در فرآیندهای آموزشی و پرورشی دانش آموزان دوره متوسطه شهر تهران از دید مدیران در سال تحصیلی ۹۰-۹۱ انجام گرفت.

نتایج تحلیل‌های رگرسیون چندگانه نشان داد که متغیر وابسته "میزان مشارکت" بیش از هر متغیر دیگری از عامل روانی تأثیر پذیرفته است. بعد از این متغیر، به ترتیب متغیرهای رسانه‌ای، سن، فکر-نگرشی، ساختاری و سواد والدین بر میزان مشارکت تأثیرگذار بودند. لذا پیشنهاد می‌شود که نهاد تربیتی ساز و کار توجه به این عوامل مخصوصاً عامل روانی را جهت افزایش مشارکت والدین در نظام آموزشی طراحی و اجرا نماید.

بلاغت و همکاران (۱۳۸۹) تحقیقی در خصوص بررسی مشارکت والدین در مدارس به مثابه یکی از مولفه‌های دموکراسی در دوره دکتری تخصصی دانشگاه خوارزمی انجام داده که مولفه‌های آن بر حسب ضرورت، زمینه، موانع و محدودیت و عوامل به شرح جدول زیر می‌باشد.

### جدول ۱- خلاصه پژوهش بلاغت و همکاران (۱۳۸۹) در خصوص بررسی مشارکت والدین در مدارس به مثابه یکی از مولفه‌های دموکراسی

مولفه‌های مربوطه	موضوعات مربوط به هر مولفه
ضرورت‌ها	ارتباط بیشتر والدین با آموزش فرزندان، حمایت بیشتر والدین از دست اندرکاران مدرسه، افزایش پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، انطباق بیشتر برنامه‌های مدرسه با نیازهای محلی و بومی، ارتقای رشد فکری و عملی والدین و به تبع آن جامعه، تسریع روند اصلاحات آموزشی در سطح مدرسه، اجرای بهتر و آسانتر برنامه‌های مدرسه و ارزشیابی بهتر دانش آموزان.
زمینه‌ها	ارائه پیشنهاد لازم برای تدوین برنامه درسی، کمک به معلمان در تدریس، ارزشیابی دانش آموزان همراه با معلم، مشارکت در طراحی آموزش‌های خاص، مشارکت در ارزشیابی از برنامه‌های درسی اجرا شده و ارائه پیشنهاد لازم برای اصلاح و بهبود آن‌ها، نظارت بر اجرای برنامه‌های مدرسه، طراحی و رهبری فعالیت‌های فوق برنامه، نظارت بر درآمدها و هزینه‌های مدرسه.
موانع و محدودیت‌ها	نگرش منفی برنامه‌ریزان، نگرش منفی مدیران، نگرش منفی معلمان، عدم تمایل والدین، فقدان دانش‌های لازم مدیران، والدین، و معلمان. ساختار نامناسب اداری،



<p>فقدان قوانین مدون، عدم وجود انجمن‌های فعال اولیا و مربیان، نگرانی از ایجاد هرج و مرج، نگرانی از بالا رفتن هزینه‌ها، پایین بودن سطح اقتصادی والدین.</p>	
<p>فعال سازی کمیته‌های تخصصی، تفویض اختیارات، نشست‌های ماهیانه، تخصیص دادن اعتبارات و بودجه‌های مورد نیاز، آموزش‌های لازم، حمایت از مشارکت والدین در نشریات فرهنگی، فرهنگ سازی، ایجاد نگرش مثبت و ایجاد شبکه‌های ارتباطی.</p>	<p>عوامل</p>

لور تو (۲۰۱۶) طی تحقیقی در دانشگاه ویکتوریا، ویلینگتون کامبوج در رابطه با مشارکت والدین انجام داد که نتیجه این مطالعه نشان می‌دهد که والدین و ذینفعان آموزشی و اعضای جامعه در مناطق دور افتاده آغازگر مشارکت می‌باشند. این پژوهش طیف وسیعی از شیوه‌های اجتماعی را در مشارکت جامعه در آموزش و پرورش کشف کرده است. درجه مشارکت بر اساس نوع مشارکت و شرکا (والدین) می‌باشد. پدر و مادر مشارکت مستقیم در یادگیری فرزندان خود را در خانه، و به طور غیرمستقیم از طریق منابع برای توسعه مدرسه انجام می‌دهند. کمیته‌هایی مانند کمیته‌های پشتیبانی مدرسه که والدین در آن‌ها عضویت دارند، قدرت بیشتری در توسعه‌های تصمیم‌گیری مدرسه و توسعه آموزش دارند.

بی‌نت، بریج<sup>۱</sup> (۲۰۱۵) طی یک مطالعه که با روش تجزیه و تحلیل گفتمان انتقادی و با استفاده از مصاحبه با نخبگان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت کشور ایرلند انجام داده معتقد است که استفاده از گفتمان‌های سنتی و مدیریتی و دموکراتیک حرفه‌ای معلم به عنوان اعمال نفوذ بر توسعه روابط بین والدین و معلمان آموزش و پرورش ایرلند می‌باشد و اعلام می‌کند که تاثیرات این نوع گفتمان‌ها در روابط بین والدین و معلمان در سطوح مختلف متفاوت است و در بین این گفتمان‌ها، گفتمان سنتی موجود بین والدین و معلمان از انعطاف بیشتری برخوردار است.

فریر (۲۰۰۹)<sup>۱</sup> طی مطالعه‌ای تحت عنوان مشارکت والدین در برنامه‌های درسی مدارس خصوصی در ایالت جورجیا تأکید می‌کند که ورود والدین به حوزه برنامه درسی مدارس

1. Bennet, Brigid

1. Freer

خصوصی، تصمیمات برنامه‌ریزان را تحت تاثیر قرار داده و استمرار ای تعاملات باعث ایجاد یک محیط آموزشی مناسب و دوستانه گردیده است. ورود والدین به حوزه‌های مختلف برنامه های درسی اعم از طراحی، اجرا و ارزشیابی باعث ایجاد مذاکراتی بین اولیای مدرسه و والدین شده است و این موضوع تنش‌های موجود بین معلمان و دانش‌آموزان را به حداقل کاهش داده است.

سارا ویلفورد (۲۰۰۴) متخصص و مربی پیشرفت خواندن و نوشتن تاکید می‌کند که مدیر یا سرپرست مدرسه فضای مدرسه را تعیین می‌کند. در یک مجموعه جایی که برای اعتماد و صراحت و صداقت ارزش قایل می‌شوند. والدین مسولیت‌های یکسانی را برای سهیم شدن در شور و نشاط و تجارب بچه‌ها در مدرسه به عهده می‌گیرند. او مدیر مدرسه را تشویق می‌کند تا با رئیس انجمن والدین ارتباط برقرار کرده و روش‌های معنی داری را برای مشارکت والدین از طریق داوطلبانه‌گرایی به وجود آورد.

اسمریکا و کوهن<sup>۲</sup> (۲۰۰۱) طی مطالعه‌ای به این نتیجه رسیدند که شرکت نکردن والدین در کارهای مدرسه به علت بی‌علاقگی آنان در رشد و پیشرفت فرزندشان نیست. بلکه عواملی مانند زمان، فاصله و کارهای روزمره دخالت دارند و همچنین آنان اعتقاد دارند که والدین طبقات اجتماعی - اقتصادی پایین به برقراری ارتباط با مدرسه گرایش دارند اما به علت اینکه تصور می‌کنند نقش آن‌ها محدود و یا کم است، خود را کمتر درگیر می‌کنند.

سویک<sup>۳</sup> (۱۹۹۲) طی مطالعه‌ای به راهبردهای زیر به منظور ارتباط بیشتر والدین با مدرسه اشاره دارد. برگزاری همایش‌ها و هم‌اندیشی‌ها، بازدید از خانه شاگردان، ایجاد و توسعه مراکز والدین، شرکت در تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌های آموزشی والدین، فعالیت‌های یادگیری و شبکه والدین و مدرسه است که می‌تواند منجر به همکاری در قالب حمایت از سوی مدرسه و خانه شود.

دیوید، ال و ویلیامز، جی آروناسی فیل چاوکین<sup>۱</sup> (۱۹۸۹) هفت مورد برای موفقیت والدین در برنامه‌های درسی مبتنی بر مشارکت به شرح ذیل معرفی می‌نمایند که شامل حمایت‌های

1. Smrekar & Cohen

2. Swick

3. David I. Williams, JR., and Nancy FEYL Chavkin

نوشتاری، پشتیبانی اداری، آموزش امیدوار، رویکرد مشارکتی، ارتباط والدین و مدرسه، ارتباط شبکه‌ای و ارزشیابی است.

## روش پژوهش

برای تعیین مولفه‌های مشارکت والدین در برنامه‌های درسی دوره ابتدایی (عنصر ارزشیابی) از روش دلفی که یک تکنیک مهم در مباحث آینده پژوهی است، استفاده شده، که در آن از طریق جمع‌آوری نظرات خبرگان در مراحل متفاوت (حداقل سه مرحله) درباره یک موضوع خاص به اجماع و توافق می‌رسند. این تکنیک به عنوان یکی از روش‌های مطرح در آینده پژوهی همواره راهگشای بسیاری از دغدغه‌های آینده است. در این روش نظرات خبرگان مورد توجه است. از دیدگاه روش دلفی، قضاوت‌های انسانی به مثابه ورودی‌های مشروع و سودمند برای انجام پیش‌بینی‌ها می‌باشند. (احمدی، ۱۳۸۸: ۱۰۰). جامعه آماری پژوهش شامل خبرگان یا متخصصین حوزه برنامه درسی دوره ابتدایی است که دارای تجارب ارزنده‌ای درباره موضوع تحقیق می‌باشند. این افراد براساس داشتن صلاحیت‌های مانند: دانش و تجربه لازم در موضوع، تمایل به شرکت، زمان کافی برای شرکت، داشتن مهارت ارتباطی انتخاب می‌شوند. (احمدی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۳). برای جمع‌آوری داده‌های پژوهش، ابتدا پرسشنامه بدون ساختار با توجه به سوالات پژوهش برای شناسایی مولفه‌های اصلی طراحی و بین خبرگان توزیع گردید. از میان پرسشنامه‌های بدون ساختار مفاهیم کلیدی استخراج سپس برای جمع‌بندی و استخراج مولفه‌های مورد توافق از پرسشنامه ساختارمند استفاده گردید و برای تحلیل نتایج طبق قوانین دلفی از روش‌های کمی و تکنیک رتبه‌بندی با تعیین چارک سوم به معنای حداقل لازم جهت پذیرش نظرات خبرگان استفاده شد. و در نهایت از ضریب کندال در امار استنباطی برای تعیین میزان هماهنگی بین نظرات خبرگان استفاده گردید. در تحلیل داده‌ها چون حجم نمونه از ۷ نفر بیشتر بود ضریب کندال طبق فرمول  $\chi^2 = k \times w(n - 1)$  محاسبه و به آزمون خی ۲ تبدیل گردید و بریافته براساس آن تجزیه و تحلیل گردید. (سیگل<sup>۱</sup>، ۱۹۹۸).

برای نمونه گیری در بخش کیفی پژوهش از روش گلوله برفی، و برای تعیین حجم نمونه براساس قانون پژوهش های کیفی و تکنیک دلفی رسیدن به اشباع نظرات اندیشمندان با توجه به اهداف، موضوع و ماهیت پژوهش گردید در بخش کیفی اجرای پرسشنامه تا نفر ۱۴ ادامه یافت. در نفر چهاردهم پژوهش از نظر حجم نمونه با توجه به اینکه موضوعات بیشتر تکرار بودند به اشباع رسید. و در بخش کمی پرسشنامه به منظور رسیدن به هماهنگی مورد نظر پرسشنامه های ساختارمند طراحی و بین ۳۴ نفر که همه از صاحب نظران و متخصصان حوزه مطالعات برنامه درسی می باشد برای پاسخگویی توزیع گردید. برای تعیین اعتبار ابزار تحقیق در بخش کیفی ابتدا جلسات توجیهی با پاسخ دهندگان برگزار و آموزش های لازم جهت پاسخگویی به سوالات ارائه گردید در بخش کمی برای تعیین اعتبار از آزمون آلفای کرانباخ استفاده شد که مقدار آن برابر  $(\sigma = .81)$  محاسبه گردید که نشانگر این است که آزمون از اعتبار کافی برخوردار می باشد. برای تعیین روایی پرسشنامه در بخش کمی جلسه ای با حضور پژوهشگر و دو نفر از متخصصان پژوهش و سنجش طراحی و تنظیم گردید. سپس جهت تعیین روایی ابزار آزمایش و صحت گویه ها به تایید سه نفر از متخصصان برنامه درسی رسید و نهایتاً بعد از اصلاح موارد لازم برای اجرا و جمع آوری اطلاعات آماده گردید.

### یافته های پژوهش

در این قسمت با توجه به روش های آماری و تحلیل های انجام شده نتایج حاصله در جدول زیر ارائه سپس در مورد هر یک از یافته های تحقیق با توجه به پیشینه تحقیق، یافته ها و تجارب پژوهشگر بحث گردیده و نتایج آن به شرح ذیل ارائه می گردد.

#### جدول شماره ۲- تحلیل دیدگاه صاحب نظران شرکت کننده در دلفی در مورد

#### مولفه های مشارکت والدین در برنامه های درسی با توجه به عنصر ارزشیابی

ردیف	مولفه های استخراج شده	کدهای مرتب	میزان توافق
۱	مشارکت در ارزشیابی برای جمع آوری اطلاعات	۲۹۲-۲۲۰-۱۸۰-۱۰۲-۹۴-۶۶ ۵۳۲-۴۷۶-۴۲۱-۳۷۸-۳۳۱-۳۱۱	$Q3 > 86\%$
۲	مشارکت در ارزشیابی اهداف نگرشی برنامه های درسی	۳۲۳-۱۸۲-۱۶۹-۹۵-۶۲-۱۰ ۵۶۲-۴۸۷-۵۳۹-۴۲۲-۲۵۶	$Q3 > 79\%$

۳	مساعدت در جمع‌آوری و نگهداری پوشه کار فراگیران	۲۵۵-۱۹۰-۱۸۱-۱۳۳-۹۴-۴۱ ۵۷۷-۵۰۴-۴۷۵-۴۲۳-۳۷۹	%۷۹ > Q3
۴	مشارکت از طریق حضور منظم و مستمر در مدرسه	۲۲۵-۲۰۹-۱۷۱-۱۲۶-۷۲-۶۰ ۵۶۰-۵۳۳-۵۰۷-۴۷۴-۴۲۴-۳۳۲	%۸۶ > Q3
۵	مشارکت در ارزشیابی فعالیت‌های خارج از مدرسه	۱۸۲-۱۶۴-۱۰۲-۷۳-۶۶-۱۱ ۵۷۱-۵۳۴-۵۰۵-۴۷۳-۴۲۵-۳۳۳-۲۲۱	%۹۲ > Q3
۶	احترام و پایبندی به نتایج ارزشیابی‌های مدرسه	۳۸۰-۳۳۴-۲۵۸-۱۲۷-۱۰۱-۷۴ ۵۴۹-۵۳۵-۴۷۲-۴۵۹-۴۲۶	%۷۹ > Q3
۷	فراهم کردن زمینه‌های تشویق معلمان و فراگیران با توجه به نتایج ارزشیابی	۴۲۷-۳۳۵-۲۵۹-۱۶۷-۱۰۴-۷۵ ۵۶۹-۵۳۶-۵۱۶-۵۰۶-۴۸۶	%۷۹ > Q3
۸	مشارکت در فراهم سازی فضای عاطفی مناسب در جلسات ارزشیابی	۲۶۰-۲۵۱-۱۳۰-۱۰۳-۵۴-۲۵ ۵۷۰-۵۳۷-۴۹۶-۴۲۸-۳۸۷-۳۵۴	%۸۶ > Q3
۹	کمک به معلمان در چه شناسایی نقاط قوت و ضعف فراگیران	۳۱۲-۲۹۳-۱۴۸-۱۰۳-۱۳۲-۶۱ ۵۷۲-۴۵۴-۴۲۱-۳۵۶-۴۰۰	%۷۹ > Q3

با توجه به قوانین دلفی و تحلیل‌های انجام شده می‌توان گفت که چون میزان توافق حاصله در مورد مولفه‌ها از چارک سوم (نقطه ۷۵ درصدی) در همه موارد بیشتر است. بنابراین موارد ذکر شده به عنوان مولفه‌های مشارکت والدین در عنصر ارزشیابی برنامه‌های درسی دوره ابتدایی مورد قبول قرار می‌گیرد.

### جدول شماره ۳- محاسبه ضریب هم‌هنگی کندال برای مولفه‌های مشارکت والدین با توجه به عنصر ارزشیابی

تعداد (f)	ضریب کندال (w)	درجه آزادی (d.f)	Chi-square	سطح معنی داری (sig)
۳۴	۰/۰۹۷	۸	۲۶/۴۴	۰/۰۰۱

با توجه به مقادیر جدول ۲:  $W = ۰/۰۹۷$ ،  $Chi-square = ۲۶/۴۴$ ، با درجه آزادی ۸ و مقدار  $sig = ۰/۰۰۱$  می‌توان گفت که میزان هم‌هنگی اعضای پانل در تایید مولفه‌های مشارکت والدین در عنصر ارزشیابی برنامه‌های درسی دوره ابتدایی معنی دار می‌باشد. به عبارت دیگر بین اعضای پانل در تایید مولفه‌های مشارکت والدین در عنصر ارزشیابی برنامه‌های درسی دوره ابتدایی هم‌هنگی بیشتری وجود دارد.

## بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج بخش کیفی و کمی پژوهش و تحلیل‌های آماری آن، ارتباط هر یک از مولفه‌های استخراج و تایید شده با دیدگاه‌های مختلف و سایر پژوهش‌ها به شرح ذیل ارائه می‌گردد. ارزشیابی از عناصر مهم دیگر برنامه‌های درسی است که در این تحقیق به دنبال تعیین مولفه‌های آن با مشارکت والدین دانش‌آموزان در مدارس ابتدایی هستیم. ارزشیابی عنصر تعیین‌کننده موفقیت یا عدم موفقیت یک برنامه درسی است. با توجه به اینکه ارزشیابی نحوه فعالیت عوامل و منابع انسانی و غیرانسانی دخیل در برنامه‌های درسی را تحلیل می‌نماید تا برنامه‌های درسی بدون مشکل طراحی، اجرا و ارزشیابی شوند در این قسمت مولفه‌های تعیین‌شده برای عنصر ارزشیابی را بررسی و در مورد هر یک به شرح ذیل بحث و گفتگو می‌گردد. مولفه اول در این خصوص که مورد تایید قرار گرفته عبارت از "مشارکت والدین در ارزشیابی برای جمع‌آوری اطلاعات" می‌باشد. از آنجایی که والدین محیط مدرسه، خانواده، و استعدادها و توانمندی‌های کودکان را بهتر می‌شناسند و در این رابطه اطلاعات کامل و جامعی می‌توانند در اختیار برنامه‌ریزان قرار دهند. بنابراین در رابطه با عنصر ارزشیابی بهترین منبع اطلاعاتی برای جمع‌آوری اطلاعات می‌باشند و با قرار دادن اطلاعات خود در اختیار برنامه‌ریزان به نحوه ارزشیابی برنامه‌ها کمک کرده و مشارکت لازم را به عمل آورند. این موضوع با یافته‌های (سیف، ۱۳۹۲)، (یارمحمدیان، ۱۳۹۳) و (فیتزجرالد، ۲۰۰۴) همسویی دارد.

مولفه دوم در رابطه با عنصر ارزشیابی "مشارکت افراد در ارزشیابی اهداف نگرشی برنامه‌های درسی" می‌باشد. با توجه به اینکه والدین از ارزش‌های حاکم بر جامعه اطلاعات درستی دارند و تا اندازه زیادی علایق و نگرش‌های فرزندان خود را می‌شناسند بنابراین والدین در انتخاب و تدوین و ارزشیابی اهداف نگرشی می‌توانند تاثیرگذار باشند و مشارکت لازم را با مجریان برنامه‌ها به عمل آورند. تجاب پژوهشگر و نظرات (فتحی و اجارگاه، ۱۳۹۳) و (عابدینی، ۱۳۸۴) موید این مولفه می‌باشد.

مولفه سوم در رابطه با ارزشیابی "مساعدت در جمع‌آوری و نگهداری پوشه کار فرگیران" می‌باشد. والدین دانش‌آموزان در این مورد بیشترین مساعدت و مشارکت را برای کمک به

مجریان برنامه‌ها در خصوص ارزشیابی می‌توانند انجام دهند. والدین دانش‌آموزان در این مورد با نگهداری پوشه‌های کار و اوراق امتحانی، طبقه‌بندی و بایگانی آن به ویژه در ارزشیابی‌های توصیفی که برای معلمان واقعا مشکلات زیادی ببار آورده کمک نمایند و از این طریق کار ارزشیابی و تحلیل را برای مجریان برنامه‌ها آسان سازند. موضوعات و مطالب موجود در (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰)، (شریعتمداری، ۱۳۹۰) و (بلاغت، نقیب‌زاده، قائدی، محمودنیا ۱۳۸۹) موید این مولفه می‌باشد.

مولفه بعدی عبارت است از "مشارکت در ارزشیابی فعالیت‌های خارج از مدرسه" می‌باشد. این مولفه با توجه به بحث مشارکت و حضور والدین در اردوها و بازدیدها به عنوان فعالیت‌های خارج از مدرسه ضروری و لازم به نظر می‌رسد از طرف دیگر در ارزشیابی فعالیت‌های خارج از مدرسه نیاز به افراد بیشتری برای کمک به روند ارزشیابی فعالیت‌ها احساس می‌شود که حضور والدین را در این موضوع تأیید می‌نماید. والدین با حضور خود در جشنواره‌ها، فعالیت‌های فرهنگی، اردوها و ... هم به روند اجرا و هم به ارزشیابی برنامه‌ها به نحو مطلوب می‌توانند کمک کنند. این موضوع با نظرات و پژوهش‌های (فیتزجرالد، ۲۰۰۴)، (فتحی و اجارگاه، ۱۳۹۳) و (بلاغت، نقیب‌زاده، قائدی، محمودنیا ۱۳۸۹) همسویی دارد.

"احترام و پایبندی به نتایج ارزشیابی‌های مدرسه" از جمله مولفه‌های تأیید شده دیگر در رابطه با عنصر ارزشیابی می‌باشد. با توجه به اینکه معلمان برنامه‌های درسی را اجرا و ارزشیابی می‌کنند و مسئولان مدرسه کار نظارت بر امور مختلف برنامه‌های درسی را به عهده دارند به منظور تسهیل فرآیند ارزشیابی و فراهم ساختن مشارکت والدین با تدارک جلسات و آموزش‌های مختلف به والدین آن‌ها را با امر ارزشیابی و نظرات صحیح ارزشیابان آشنا کرد تا این موضوع (احترام به نظرات معلمان) به یک فرهنگ تبدیل شود. این موضوع باعث رشد و بالندگی نظام آموزشی کشور خواهد شد. مطالب طرح شده در (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰) و (فتحی و اجارگاه، ۱۳۹۳) موید این موضوع می‌باشد.

مولفه تأیید شده بعدی در رابطه با عنصر ارزشیابی "فراهم کردن زمینه‌های تشویق معلمان و فراگیران با توجه به نتایج ارزشیابی" می‌باشد ارتباط والدین با مدرسه و انجمن اولیا و مربیان و سایر نهاد‌های مردمی و دولتی می‌تواند به این امر مهم کمک کند. والدین با در اختیار داشتن

منابع مالی و حمایتی می تواند از معلمان و دانش آموزان کوشا و تلاشگر با توجه به نتایج بدست آمده از ارزشیابی تقدیر به عمل آورند. نتایج بررسی های (قاسمی پویا ۱۳۸۰)، (زارع، ۱۳۹۲)، (سلسبیلی، ۱۳۸۶) و (ویتی و هالپین<sup>۱</sup>، ۱۹۹۸) و (بلاغت و همکاران، ۱۳۸۹) موید این موضوع می باشد.

آخرین مولفه در رابطه با عنصر ارزشیابی "مشارکت مردم در فراهم سازی فضای عاطفی برای ارزشیابی" است والدین به همراهی معلمان و اولیای مدرسه می توانند از فشارهای روحی و روانی حاکم بر فرآیند ارزشیابی کاسته و زمینه برگزاری یک ارزشیابی مطلوب را با مشارکت والدین فراهم کرد. با توجه به نزدیکی، صمیمیت و شناخت بیشتر بین والدین و فرزندان، مشارکت والدین در ارزشیابی از فعالیت های آموزشی و درسی از نظر عاطفی و روانی فضای مطلوبی می توان فراهم ساخت تا دانش آموزان با اعتماد و امنیت روانی و عاطفی بیشتری در فرآیند ارزشیابی قرار گیرند. این مولفه با یافته های (پاتریشا مک لگان<sup>۱</sup>، ترجمه اسلامی، ۱۳۷۷)، (گوهری، ۱۳۹۱) و (بلاغت و همکاران، ۱۳۸۹) همسویی دارد. براساس نتایج حاصل از بررسی سوالات پژوهش پیشنهاد می گردد که:

- با توجه به یافته های پژوهش و نص کریم قرآن و متون اسلامی و به منظور توانمندسازی برنامه های درسی، مشارکت والدین به عنوان یک ضرورت، و نیاز به آن از طرف مسئولان جدی و مستمر پیگیری گردد تا مشارکت والدین در برنامه های درسی عملی گردد.

- با عنایت به اینکه میزان و نحوه مشارکت والدین در ارزشیابی برنامه های درسی بیشتر امکان دارد. لذا پیشنهاد می شود با تدوین برنامه های مدرسه محور، نیمه متمرکز و غیرمتمرکز زمینه را برای مشارکت والدین در ارزشیابی برنامه های درسی فراهم ساخت.

- مشارکت والدین در ارزشیابی زمینه تعامل را بین مدارس و اولیای مدرسه بیشتر نموده و عملاً از ظرفیت های مناطق، مدارس، معلمان و والدین به نحو مطلوب در برگزاری فعالیت های فوق برنامه و ارزشیابی آنان مسیر می گردد لذا پیشنهاد می شود والدین در ارزشیابی برنامه های درسی فرآیند تعامل عملی سازند.

1. Whitty & Halpin

1. Patricia Mclagan



- حضور والدین در مراحل مختلف ارزشیابی، تقویت انجمن‌های اولیا و مربیان در مدارس، احترام و پایبندی به نتایج ارزشیابی‌های مدرسه و ... باعث ایجاد فضای مطلوب روانی و عاطفی می‌گردد لذا پیگیری این موضوع ضروری و مشارکت والدین در این خصوص پیشنهاد می‌گردد.

- اساس ارزشیابی‌های درست، داشتن اطلاعات کامل از مراحل و منابع مختلف برنامه‌های درسی است. پیشنهاد می‌شود با توجه به اینکه اولیا منبع اطلاعات مهم در خصوص مناطق آموزش و پرورش، نهادها، مدارس، امکانات جامعه، معلمان و دانش‌آموزان و ... هستند بنابراین پیشنهاد می‌شود از ظرفیت‌های آنان در ارزشیابی برنامه‌های درسی به نحو مطلوب استفاده گردد.

## منابع

۱. احمدی، نسیم (۱۳۸۸). معرفی و نقد روش دلفی، مجله علوم اجتماعی، شماره ۲۲.
۲. ادری و هاوارد نیکلس؛ (۱۹۸۹). ترجمه داریوش دهقان، راهنمای عملی برنامه‌ریزی درسی، تهران: انتشارات قدیانی.
۳. الوانی، مهدی (۱۳۹۱). مدیریت عمومی، تهران: انتشارات نبی.
۴. بلاغت، رضا؛ نقیب‌زاده، میرعبدالحسین؛ قائد یحیی؛ محمودنیا، علیرضا (۱۳۸۹)، بررسی مشارکت والدین در مدارس به مثابه یکی از مولفه‌های دموکراسی در آموزش و پرورش، فصلنامه خانواده، شماره ۹.
۵. پاتریشا، مک لگان، کریستو، نل (۱۳۹۲). عصر مشارکت، ترجمه: مصطفی اسلامی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۶. تنهایی، الهیار (۱۳۷۷). آثار مثبت مشارکت کارکنان، تهران: نشریه مدیریت، شماره ۳۳.
۷. تیموری، (۱۳۸۷). عوامل موثر در مشارکت والدین در اداره مدارس، دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان - اصفهان.

۸. حسینی نیاز، مجتبی (۱۳۹۱). عوامل موثر در مشارکت فعال والدین در امور آموزشی و پرورشی دانش آموزان متوسطه شهر تهران از دید مدیران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد مرکزی تهران.
۹. سلسبیلی، نادر (۱۳۸۶). گذار نظام برنامه ریزی درسی ایران به سمت عدم تمرکز در طراحی و تدوین برنامه‌ی درسی، با تأکید بر برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر مدرسه فصلنامه مطالعات برنامه درسی، سال اول، شماره ۴.
۱۰. سند برنامه درسی ملی ایران (۱۳۹۱) سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی، وزارت آموزش و پرورش، انتشارات مدرسه.
۱۱. سیف، علی اکبر (۱۳۹۲). اندازه گیری، سنجش، ارزشیابی آموزشی، تهران: انتشارات دوران.
۱۲. سیگل، سیدنی (۱۹۹۸). آمار غیر پارامتریک، ترجمه یوسف کریمی، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۳. شریعتمداری، علی (۱۳۹۰). اصول و فلسف تعلیم و تربیت، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۴. عابدینی، انصار علی (۱۳۸۴). خانواده و برنامه‌های درسی: تهران: انجمن اولیا و مربیان آموزش و پرورش.
۱۵. عظیمی هاشمی، علی (۱۳۹۰). بررسی شیوه‌های مشارکت مردم در آموزش و پرورش و راهکارهای آن، دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان - اصفهان
۱۶. فتحی و اجارگاه، کورش (۱۳۹۴). اصول و مفاهیم برنامه‌ریزی درسی، تهران: انتشارات بال.
۱۷. فتحی و اجارگاه، کورش (۱۳۹۲). اصول برنامه‌ریزی درسی، تهران: انتشارات ایران زمین.
۱۸. قائمی، علی (۱۳۹۰). خانواده و مسائل مدرسه‌ای کودکان، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
۱۹. گوهری، زهره (۱۳۹۳). بررسی مشارکت والدین در امور مدارس مقطع ابتدایی شهر سمنان و ارائه راهکارهای برای مشارکت نوآورانه والدین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سمنان، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.

مردان اربط، فاطمه. (۱۳۹۲). مطالعه تجربیات والدین از مشارکت در اجرای برنامه درسی دوره ابتدایی در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ (یک مطالعه پدیدار شناسی). پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز، دانشکده علوم تربیتی.

۲۰. یارمحمدیان، محمدحسین. (۱۳۹۳). اصول و مبانی برنامه‌ریزی درسی، تهران: انتشارات یادواره.

21. Bennet, Brigid (2015) Policies and practices of parental involvement and parent – teacher relations in Irish primary Education Ireland University .
22. David I. Williams, JR., and Nancy FEYL Chavkin (1989) Essential elements of Involvement programs .association for super vision and curriculum development . (www.ascd.com)
23. Foy, N (1997). Empowering people at work, Cambridge: Gower
- Fitzgerald , Domien. (2004). Parent partnership in the Early years. London: Continuum.
24. Freer, Christopher Michael, (2009), "Parental Influence on Curricula Decisions in Private Schools: Negotiating Parental Expectations." Dissertation, Georgia State University.
25. Loert, T. (2016). Community participation in education: A case study in the four remote primary schools in Samlot district, Battambang province (Unpublished doctoral dissertation). Victoria University of Wellington, Wellington, New Zealand.
26. Smrekar, c. Cohen .I (2001) Reexamining Relation and a sence of place between schools and their constituents . vol.76.no.2
27. Swick, k (1992) Teacher – parent partenships to Enhance school succes in Early childhood - Whitty, Geoff, power, Salley & Halpin, David (1998). Devolution Choice in Education (the school, the state and the market) Education. Washington. D.C : national Education Association. Melborn ,Australia: Acer Press.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی